**بنام خدا**

**السلام علیک یا ابا عبدالله**

**شیعتی ما ان شربتم عذب ماء فاذکرونی**

**او سمعتم بغریب اوشهید فاندوبونی**

**شیعیان من ، هر گاه آب گوارا نوشیدید مرا یاد کنید**

**هرگاه غریب یا شهیدی را شنیدی بر من گریه کنید**

**زیارت عاشورا سخن از اجرا عدالت و مبارزه با استثمار و استبداد می باشد که بر عهده خانواده امام حسین(ع) بود تا بعد از ایشان رسالت ولایت را به گوش جهانیان برساند و بعد از ایشان بر عهده تمام پیروان ایشان می باشد.اکنون نکاتی در مورد تاریخچه و پاسخ به شبهات موضوع مورد بحث:**

**زیارت عاشورا از کلام کدام امام معصوم صادر شده است؟**

- زیارت عاشورا آن گونه که از روایت امام صادق(ع) در کتاب مصباح شیخ طوسی به دست می‌آید، از جانب خداوند و حدیث قدسی است، یکی از تفاوت‌های حدیث قدسی با قرآن این است که رساندن آیات قرآن بلافاصله بعد از نزول آن به همه مردم واجب است، ولی ممکن است یک حدیث قدسی از جانب خداوند به پیامبر اکرم(ص) عرضه شود، بدون آنکه پیامبر(ص) آن را به یک نفر هم بگوید یا فقط به افراد خاص مثل سلمان و مقداد و ... تعلیم دهد.

زیارت عاشورا توسط خداوند بیان و توسط جبرئیل امین برای پیامبر اکرم(ص) هدیه آورده شد و امیرمؤمنان(ع) به امام مجتبی(ع) و ایشان به برادرش امام حسین(ع) و ایشان به امام سجاد(ع) و ایشان به فرزندش امام باقر(ع) و او به امام صادق(ع) انتقال دادند تا اینکه در زمان امام باقر و امام صادق(ع) که موقعیت بهره‌مندی خواص شیعیان از این حدیث قدسی ایجاد شد، امام باقر(ع)به علقمه و امام صادق(ع) آن را به صفوان بن مهران در نجف آموزش دادند، ولی تنها روایتی که زیارت عاشورا را حدیث قدسی معرفی می‌کند روایت امام صادق(ع) در کتاب مصباح شیخ طوسی است.

**امامین صادقَین(ع) به نشر زیارت عاشورا پرداختند:**

**\*چرا زیارت عاشورا بعد از شهادت امام حسین(ع) توسط امام سجاد(ع) به شیعیان آموخته نشد؟**

- اوج فتنه و ظلم بنی‌امیه در کربلای معلی در روز عاشورا اتفاق افتاد، بنابراین دستگاه اموی برای تثبیت موقعیت خودش هر قیامی را سرکوب می‌کرد، همانند قیام توابین، قیام مختار و قیام حرّه در چنین موقعیتی با چنین خفقان کسی انتظار دارد که لعن یزید و معاویه و ابوسفیان که در زیارت عاشورا علناً آمده است، توسط شیعیان بیان شود، اما در زمان امام باقر(ع) و امام صادق(ع) که زمان اختلاف بین بنی‌مروان و بنی‌العباس است، آن خفقان شدت خود را از دست داده است، به همین خاطر امام باقر و امام صادق(ع) به بیان آن پرداختند.

**تجلی قرآن در زیارت عاشورا؛ و من یکفر بالطاغوت و یومن بالله فقد استمسک بالعروة الوثقی، اگر می خواهی به قرآن عمل کنی باید به زیارت عاشورا عمل نمایی چون زیارت عاشورا برنامه کلّی و جامع تمسک به عروةالوثقی است .**

**زیارت عاشورا اولین بار در چه کتاب‌هایی ذکر شده است؟**

 و دیگر- زیارت عاشورا به نقل از علقمه بن محمد حضرمی از امام باقر(ع) در کتاب کامل الزیارات و به نقل از صفوان بن مهران از امام صادق(ع) در کتاب مصباح المتهجد شیخ طوسی شده است و زیارت عاشورای مشهور که در مفاتیح الجنان آمده است، همان زیارت کتاب مصباح المتهجد است .

**اعتبار سند زیارت عاشورا در چه حد است؟**

زیارت عاشورا دارای دو سند و سه طریق است که با توجه به کتاب‌های علم رجال اشخاصی که در سند زیارت قرار گرفته‌اند همه مورد اعتماد هستند.

نقل صالح بن عقبه 2- نقل سیف بن عمیره 3- نقل محمد بن خالد طیالسی که هر کدام توسط شیخ طوسی در کتاب فهرست اسناد آن آمده است.

**تبلور اندیشه‌های مهدوی در یک حدیث قدسی:**

**ویژگی‌های منحصر به فرد زیارت عاشورا چیست؟**

حدیث قدسی بودن، ثواب و آثار منحصر به فرد، لعن برخی اشخاص، ذکر مهدویت و انتقام از دشمنان حضرت که در دو جای زیارت امام منصور و امام هدی آمده که این خود اشاره به ابراز اعتقاد به انتقام مهدوی در زمان اهل بیت(ع) دارد،‌ تولی و تبری " انّی سلم لمن سالمکم و حربّ لمن حاربکم"سجده در مقابل خداوند در انتهای زیارت که این اوج پیوستگی زیارت امام حسین(ع) با عبودیت خداوند است که در هیچ زیارتی غیر از زیارت عاشورا در آخر آن سجده وجود ندارد،‌ دستور به انجام هر روزه آن هر چند زیارت عاشورا  زیارت مخصوص روز عاشوراست، ولی در سایر روزهای ایام سال به قصد برآورده شدن حاجت و بهره‌مندی از آثار و ثواب‌های آن امام باقر و امام صادق(ع) توصیه کردند.

واژه سلام در زیارت: اسم خدا – تسلیم – سلامتی ظاهری و معنوی – با سلام دل از رذائل شسته و سلامتی ظاهر و باطن را تضمین می کنید.باسلام بر امام باید حال تو مورد رضایت امام باشد پس سلام تو همراه با دو رکعت نماز هدیه بر امام با ادب و خلوص و اشک بایدهمراه باشد.

**ابراز عاشقانه مریدان حسینی به سید و سالار شهیدان در زیارت عاشورا**

**\*عبارات زیارت عاشورا چند بخش است؟**

- دارای دو بخش کلی «خطابی» یعنی خطاب به امام حسین، «درخواستی» یعنی خطاب به خداوند است:

«خطاب به امام حسین» که از وضعیت خود و درخواست‌های خود خبر می‌دهیم:

- تسلیم: السلام علیک ...

- تعزیت :لقد عظمت الرزیه

- تضمین: انی سلم لمن ...

- تبرئه: وابرا الی الله ...

- تفدیه: بابی انت وامی

- مهدی یاوری: ان یرزقنی طلب ...

- تقرب: انی اتقرب الی الله ...

- توسل: بموالاتکم

- همراهی: معکم فی الدنیا

- درک شفاعت: یبلغنی المقام المحمود

- پاداش کامل: افضل ما یعطی

- لعن شخص: لعن الله آل زیاد...

- لعن شخصیت: دفعتکم عن مقامکم

- ثبوت در قدم: قدم صدق

«درخواست از خداوند»

-وجاهت: وجیها

- صلوات و رحمت و مغفرت: صلوات ورحمه ومغفره

- حیات و ممات محمدی: محیای محیا...

- لعن شخص: اللهم العن اباسفیان و...

- تأکید در لعن شدید: فضاعف، جمیعا، خص

- درخواست عذاب دردناک: العذاب الالیم

- تقرب با برائت و ولایت: اللهم انی اتقرب

- لعن شخصیت: اول ظالم وآخر

-شفاعت: اللهم ارزقنی شفاعه الحسین

- ثبوت قدم در راه حسین: وثبت لی قدم صدق

**امام حسین(ع) پدر تمام بندگان خدا است**

**\*چرا به امام حسین(ع) اباعبدالله می‌گویند؟**

- در جامعه عربی هم اسم و هم کنیه داریم، اعراب از زمانی که فرزندشان به دنیا می‌آید، معمولاً برای او به غیر از اسم کنیه هم قرار می‌دهند که در اکثر موارد فرزند آن شخص همان نام مذکور در کنیه را دارد، مثلاً حضرت علی(ع) ابوالحسن است در حالیکه نام فرزند ارشد ایشان حسن(ع) است یا کنیه امام صادق(ع) اباعبدالله است و امام حسین(ع) که اباعبدالله است فرزندی به نام عبدالله رَضیع داشته است

عبدالله به معنای بنده خدا و از آنجا که هر کسی بعد از واقعه عاشورا خداوند را عبودیت می‌کند مدیون خود سیدالشهدا(ع) است، بنابراین امام حسین(ع) پدر تمام بندگان خدا است، یعنی هر کس که خداوند را عبودیت می‌کند مدیون خون سیدالشهدا(ع) است، پس می‌توان گفت که امام حسین(ع) پدر تمام بندگان خدا است، چرا که اسلام توسط پیامبر(ص) ابلاغ شد و توسط قیام امام حسین(ع) جاویدان و باقی ماند، اگر قیام امام حسین(ع) نبود، الان هیچ مؤمن واقعی وجود نداشت، به همین جهت گفته‌اند: «الاسلام نبوی الحدوث وحسینی البقاء» چرا که اسلام فقط و فقط آن است که سیدالشهدا(ع) بیان می‌کند و هر آنچه یزید ترویج می‌کند، کفر مطلق است.

**ناصبی در چه معنا بکار می دهد:**

**فاضل مقداد می گوید:** ناصبی به 5 معنا بکار می رود: 1- خوارجی که عیب به امیرالمؤمنین می گیرد. 2- کسی که به یکی از ائمه اهل بیت چیزی که موجب سقوط عدالت است نسبت می دهد3- کسی که وقتی فضیلتی از ائمه (ع) را می شنود انکار می کند.4- کسی که معتقد به فضیلت غیر علی (ع) است. 5- کسی که جنگ در برابر مسلمانان به پا می کنند.

**خوابی که پیامبر(ص) درباره بنی‌امیه دید/ شجره ملعونه کیست:**

**منظور از لعین بن لعین کیست؟**

-منظور یزید بن معاویه بن ابی سفیان است که هم یزید و هم معاویه و هم ابوسفیان از زبان پیامبرمورد لعن قرار گرفتند و همان زمانی بود که پیامبر اکرم(ص)در خواب دید میمونها از منبرشان بالا می روند و سوره اسراء آیه 60 شجره ملعونه – بنی امیه را معرفی می کند.

شش گروه مورد لعن آن حضرت و پیامبران و حق تعالی قرار گرفته اند:**1**- کسانی که در کتاب خدا دست بردند و آن را تفسیر به رأی کردند چون سنت را کنار گذاشتند و گفتند :" حسبنا کتاب الله"

**2-**کسانی که قضا و قدر را تکذیب کنند و ایمان ندارند**.3**-افرادی که به عترت توجه نکنند و حرمت شکنی کنند.**4 -** کسانی که محرمات خدا را حلال و انها را مباح می شمارند **5-** کسانی که به سنت عمل نکنند**6-افرادی که از روی** قدرت شخصی و روحیه استبدادی بر مردم حکومت می کنند و افراد نا لایق و پست را عزّت بخشند و نا اهلان را تکریم کنند . بزرگان و محترمین را خوار کنند.

روحیه قاتلین حسین(ع) : منفعت طلبی یا دنیا پرستی – زور و ترس – تزویر و جهل- " لعن الله امة اسرجت وو الجمت و تنقبت لقتالک... در این فراز بر ماست که از هر گونه حزب و گروه باطل و اندیشه های باطل فرقه های مختلف دوری جوئیم و فریاد مرگ بار خود را بر سر تمام محاربین و دشمنان امام زمان(ع) فرود آوریم.

**شادی آل زیاد و آل مروان و قریشیان در روز عاشورا چیست چگونه بود؟ سؤال :**
در زیارت عاشورا آمده: «یوم تبرکت به بنوامیه و ابن اکلة الاکباد...» یعنی روزی که بنی امیه و معاویه آن را مبارک می دانستند و بدان تبرک می کردند. بعد میگوییم این تبرک برای چه بوده؟ می گویند: از قتل حسین خوشحال بودند و این روز را جشن می گرفتند! در حالی که این کذب است. زیرا معاویه شش ماه قبل از عاشورا مرده است. چطور از قتل حسین خوشحال بوده؟
**پاسخ کوتاه :**
یکی از مصادیق تبرکِ روز عاشورا، روزه گرفتن در این روز بوده است که قریش در جاهلیت این روز را روزه می گرفته است. هم چنین یهودیان نیز این روز را در شمار اعیاد خود داخل می کردند و آن را روزه می گرفتند. لذا تبرک به عاشورا در فرهنگ یهودیت و جاهلیت جاری بوده است و بنی امیه و به ویژه معاویه تحت تأثیر فرهنگی جاهلی و یهودی بر همین اساس آن را روزه می گرفتند و بدین ترتیب آن را متبرک می دانستند.
**پاسخ تفصیلی :**
سؤال کننده در این جا، چندین نکته را با هم خَلط کرده است و در نتیجه به تعارض رسیده است. دو فراز هم مضمون در زیارت عاشورا وجود دارد که باید این دو را از یکدیگر تفکیک کرد. پس از فهم دقیق این دو فراز، در خصوص تبرک روز عاشورا توسط معاویه و بنی امیه پیش از وقوع روز عاشورا، مطالبی را ذکر خواهیم کرد.
**دو فراز هم مضمون زیارت مذکور، در خصوص تبرک روز عاشورا با هم اشتباه گرفته نشود.**
دو فراز از زیارتِ عاشورا وجود دارد که به نوعی به تبرک روز عاشورا بازمی گردد. در یکی از این دو فراز به تبرک بنی امیه و بالاخص معاویه به روز عاشورا، اشاره شده است که در متن سؤال می توانید آن را ببینید. در فراز دیگر به شادیِ آل زیاد و آل مروان در روز عاشورا اشاره شده است: «یوم فرحت به آل زیاد و آل مروان».
در فراز اول که به تبرکِ روز عاشورا توسط بنی امیه و معاویه اشاره دارد، اشاره ای به قتل حضرت سیدالشهدا نشده است. و نباید دلیل این تبرک را لزوماً در قتل سید الشهداء پی گیری کرد [1]. بلکه این تبرک ریشه در امری دارد که ذکر خواهد شد.
در فراز دوم که از شادیِ آل زیاد و آل مروان سخن گفته شده است، دلیل آن در ادامه ی متن زیارت آمده است: «بقتلهم الحسین صلوات الله علیه». این فراز از زیارت عاشورا، به قتل حضرت اشاره کرده و آن را دلیلِ شادی و جشن آل زیاد و آل مروان [2] دانسته است. لذا نباید این دو فراز را با یکدیگر اشتباه گرفته شود. در نتیجه از متن زیارت عاشورا بر نمی آید که دلیل تبرک معاویه به روز عاشورا، به خاطر قتل سید الشهدا بوده است، بلکه آن چه که به خاطر قتل سید الشهدا واقع شده است، شادی و فرح آل زیاد و آل مروان است که پس از وقوع عاشورا تا سالهای بعد از آن رخ داده و هنوز هم ادامه دارد. به عبارت دیگر روز عاشورا روزی است که بنی امیه از قبل عاشورا آن را متبرک می دانستند، و بعد از قتل حضرت امام حسین علیه السلام، این روز بیش از پیش و به طرز فوق العاده ای برای ایشان متبرک شد و آن را جشن می گرفتند، و البته فضائلی را نیز بدین جهت برای آن وضع کرده اند.
**دلیل و روش تبرک به عاشورا توسط معاویه چه بوده است؟**
یکی از آداب جاهلیت، روزه گرفتن در روز عاشورا بوده است. و بدین وسیله بدان تبرک می جستند. اخبار فریقین گویای آن است که قبیله قریش در جاهلیت روز عاشورا را روزه می گرفته است. علاوه بر فرهنگِ جاهلی قریش، یهودیان نیز روزِ عاشورا روز عید خودشان بر می شمردند و آن را روزه می گرفتند. اینک روایاتی را از «صحیح بخاری» در این راستا از نظر می گذرانیم:
**قریش در جاهلیت روز عاشورا را روزه می گرفت :**
حدثنا قتيبة بن سعيد حدثنا الليث عن يزيد بن أبي حبيب أن عراك بن مالك حدثه أن عروة أخبره عن عائشة رضي الله عنها أن قريشا كانت تصوم يوم عاشوراء في الجاهلية ثم أمر رسول الله صلى الله عليه وسلم بصيامه حتى فرض رمضان وقال رسول الله صلى الله عليه وسلم من شاء فليصمه ومن شاء أفطر
حدثنا عبد الله بن مسلمة عن مالك عن هشام بن عروة عن أبيه عن عائشة رضي الله عنها قالت كان يوم عاشوراء تصومه قريش في الجاهلية وكان رسول الله صلى الله عليه وسلم يصومه فلما قدم المدينة صامه وأمر بصيامه فلما فرض رمضان ترك يوم عاشوراء فمن شاء صامه ومن شاء تركه.
**یهودیان روز عاشورا را عید می دانستند :**
حدثنا علي بن عبد الله حدثنا أبو أسامة عن أبي عميس عن قيس بن مسلم عن طارق بن شهاب عن أبي موسى رضي الله عنه قال **كان يوم عاشوراء تعده اليهود عيدا**.
در نتیجه آن چنان که روشن است، تبرک به روز عاشورا و عید دانستن آن و روزه گرفتن این روز جهت بزرگ داشت آن، در واقع جزء فرهنگِ یهودیان و اعراب جاهلیت بوده است. لذا بنی امیه و معاویه که پیوندی قوی و رابطه ا ی ناگسستنی و محکم با یهودیان و جاهلیت داشته اند این روز را تبرک می کردند.
لازم به ذکر است که برای تبرک این روز توسط یهودی ها مطالبی ارائه شده ، که حقیقت ندارد، و اساساً مسئله ی صوم عاشورا مسئله ای حساس و مهم است که این متن در صدد بررسی این موضوع بر نمی آید. علاقه مندان می توانند جهت آگاهی از جوانب مختلف این بحث به کتابِ «صوم عاشورا» تألیف «آیت الله نجم الدین طبسی» مراجعه فرمایند.

**پی نوشت ها :**

1. هر چند بعید نیست که معاویه و عمال بنی امیه از مصیبتی که قرار بوده در این روز بر خاندان اهل بیت وارد شود، با توجه به ارتباطی با اهل کتاب داشتند، مطلع بودند و این روز را از همین جهت متبرک می دانستند. ما در این متن، قطع نظر از این احتمال، پاسخ خود را تنظیم کرده ایم.
2. توجه کنید که آل زیاد و آل مروان دو تیره¬ی بزرگ و مشهور از بنی امیه هستند.
3. صحيح البخاري - البخاري - ج 2 ص 226
4. صحيح البخاري - البخاري - ج 2 ص 250
5. صحيح البخاري - البخاري - ج 2 ص 251
6. ر.ک: نا گفته هایی از حقایق عاشورا، آیت الله سید علی حسینی میلانی.
7. حدثنا أبو معمر حدثنا عبد الوارث حدثنا أيوب حدثنا عبد الله بن سعيد بن جبير عن أبيه عن ابن عباس رضي الله عنهما قال قدم النبي صلى الله عليه وسلم المدينة فرأى اليهود تصوم يوم عاشوراء فقال ما هذا قالوا هذا يوم صالح هذا يوم نجى الله بني إسرائيل من عدوهم فصامه موسى قال فأنا أحق بموسى منكم فصامه وأمر بصيامه. (صحیح بخاری، همان).

**محقق :محمد علی موحدی**

- در روز عاشورا آنچه مهم است امساک است نه روزه ،"بنابراین نزدیک غروب آفتاب که دیگر حضرت به شهادت رسیده است، غذا خوردن شما کراهت ندارد." این حدیث از امام صادق(ع) در کتاب مصباح متهجد نوشته شیخ طوسی نقل شده است.

**طلب کننده خون حسین(ع) کیست؟**

**\*ثارالله یعنی چه؟**

-در کلام عرب هم به خون و هم به طلب کننده خون و هم به کسی که خونش طلب می‌شود، «ثار» گفته می‌شود، در زیارت عاشورا می‌خوانیم «طلب ثارکم مع امام هدی» خداوند به من روزی گرداند توفیق طلب خون شما را که من هم از طلب‌کنندگان خون شما باشم، پس در اینجا ثار به معنای خون است و در زیارت امام زمان(عج) می‌خوانیم «السلام علیک یا ثارالله» و چون منتقم حقیقی خون امام حسین(ع) امام زمان(عج) است. «ثارالله» در اینجا به معنای طلب کننده خون است، در زیارت عاشورا که می‌خوانیم «السلام علیک یا ثارالله وبن ثاره» منظور کسی است که خون او طلب می‌شود؛ یعنی امام حسین(ع) و امیرمؤمنان(ع)و امام زمان(ع) بنابراین سه امام از امامان ما لقب ثارالله دادند، امام زمان(عج) طلب کننده و حضرت علی(ع) و امام حسین(ع) طلب شونده.خدا ولی دم آن حضرت است که انتقام خون آن بزرگوار را از دشمنانش می گیرد. اولین منتقم خون حسین(ع) خداوند است و پس از آن امام زمان (ع) می باشند پس با سلام خود را در سلسله خونخواهان آن حضرت قرار می دهیم این خونخواهی دوقطب است الهی و طاغوتی در نقش شناخت حق از باطل مثل ابراهیم و نمرود – موسی و فرعون- هابیل و قابیل – علی(ع) و معاویه- حسین (ع) و یزید- . امام خمینی (ره) و طاغوت زمان-

**ارواح طیبه‌ای که به زیارت ثارالله می‌روند:**

**\*منظور از ارواحی که به درگاه امام حسین(ع) سر تعظیم فرود می‌آوردند، چیست؟**

حَلَت» به معنای وارد شدن همراه با کرنش و خضوع است، یک وقت شخص با احترام و تواضع به انسان وارد می‌شود، به این حالت حلول گفته می‌شود و اگر داخل شدن بدون تواضع باشد به آن دخول گفته می‌شود، در زیارت عاشورا سلام می‌دهیم به روح‌هایی که در مقابل عظمت امام حسین(ع) حلول کردند یعنی با تمام تواضع به درگاه ایشان آمدند که در درجه اول منظور یاران سیدالشهدا(ع) که در کنار حضرت در پایین پای او جسم آن‌ها قرار دارد و در مرحله دوم ارواح تمام انبیاء، صالحین، شهدا و مؤمنان است که در برابر عظمت حرکت سیدالشهدا سر تعظیم نهاده‌اند، در کامل الزیارات عبارت «واناخت برحلک» نیز وجود دارد که «اناخه» به معنای خم شدن تا حدی که صورت به زمین نزدیک شود، هست. شتربان وقتی می‌خواهد شتر را بخواباند، آن قدر سر او را پایین می‌آورد که به زمین نزدیک می‌شود عرب به آن «اناخه» می‌گوید، می‌خواهد بگوید آن قدر به امام حسین(ع) تعظیم کردند که نزدیک است در اثر خم شدن نزدیک است سر آنان به زمین برسد و شاید دلیل بوسیدن عتبه -پاشنه درب ورودی حرم امام معصوم(ع)- همین باشد که انسان سر تعظیم به آستانش بساید.

**امام هادی(ع) نام تمام قاتلان حادثه عاشورا را بیان می‌کند:**

**\*چرا در بین همه ظالمان عبیدالله بن زیاد عمر سعد شمر یزید مورد لعن صریح واقع شده‌اند و بقیه قاتلان مثل خولی، نسان و ... اسمشان در زیارت عاشورا نیامده است؟**

- اولاً اینها کسانی بودند که فرماندهی را به عهده داشتند، ثانیاً کسانی بودند که بیشترین ظلم را مرتکب شدند، ثالثاً کسانی بودند که شناختشان نسبت به امام حسین(ع) بیشتر از بقیه بود، رابعاً قرار نیست که هر کسی که مورد لعن است نامش در زیارت بیاید و خداوند از باب نمونه به چند تن از ظالمان اشاره شده است و عبارت «ولعن الله اُمه قتلتکم» همه قاتلان کربلا را در بر می‌گیرد، خامساً در زیارت ناحیه امام هادی(ع) تک تک قاتلان نام برده شده و لعن شده‌اند همانند حرمله، خولی و....

**\*مگر منتقم خون امام حسین(ع) امام زمان(عج) نیست، پس بقیه شیعیان چه کاره هستند که خداوند می‌فرمایند طلب خون امام حسین(ع) را به همراه حضرت مهدی(عج) را نصیب کند؟**

-منتقم اصلی خداوند است، حضرت مهدی(عج) مجری این طرح است، خداوند ابلاغ می‌کند، امام اجرا می‌کند، ولی به واسطه شیعیان، یعنی این گونه نیست که خود حضرت یکی یکی قاتلان و مجریان را قصاص کند، بلکه شیعیان او که در زمان ظهور هستند این کار را انجام می‌دهند.

**نصرت الهی برای امام منصور در هنگامه ظهور**

**\*چرا به امام زمان(عج) امام منصور می‌گویند؟**

-در بین تمام اهل بیت(ع) دو معصوم بوده‌اند که توسط خداوند، منصور به رعب (وحشت) هستند، یکی پیامبر اکرم(ص) و یکی حضرت مهدی(عج)، در مورد پیامبر(ص) قرآن می‌فرماید: در جنگ بدر و جنگ احزاب خداوند وحشت و الرعب را در قلوب کفار جای داد، به وسیله نزول سه هزار ملک در جنگ بدر، در آیه 124 آل عمران و سوره انفال آیه 65، امام صادق (ع)فرمودند: فرزندم مهدی نیز به وسیله رعب و وحشتی که در دل دشمنانش افکنده می‌شود خداوند او را یاری می‌کنند، منصور یعنی کسی که توسط خداوند یاری شده است.

**منظور از مقام محمود مقام شفاعت اهل بیت(ع) است**

**\*منظور از مقام محمود در زیارت عاشورا چیست؟**

-در آیه 79 سوره اسراء خداوند به پیامبر(ص) دستور می‌دهد که نماز شب را بپادار امید است که به مقام محمود برسی،که در زیارت جامعه کبیره اشاره شده است، از خداوند می‌خواهیم که ما را به آن مقام شفاعت برساند امام صادق(ع) فرمودند: زائر امام حسین(ع) خودش شافع محشر است و هر کس به غیر از دشمنان اهل بیت(ع) را می‌تواند شفاعت کند و یا اینکه طبق فرازدر سجده زیارت عاشورا می تواند به شفاعت امام حسین(ع) برسد.

**\*منظور از مضاعف شدن لعن چیست؟**

- لعن به معنی دوری از رحمت خدا و رسیدن به عذاب الهی همان طور که رحمت خدا برای برخی چندین برابر می‌شود، همانند پاداش انفاق که به فرموده قرآن 700 برابر می‌شود، سوره بقره آیه 261، لعنت خدا نیز برای برخی چند برابر می‌شود بستگی به گناه دارد، در زیارت عاشورا از خدا می‌خواهیم. که لعنت خود را بر بنی‌امیه مضاعف گرداند.

**\*مگر جهاد یک واژه مقدس نیست، پس چرا زیارت عاشورا دشمنان امام حسین(ع) را با لفظ «جاهدت الحسین» یاد کرده است؟**

-جهاد یک معنای لغوی دارد که به معنای تلاش و کوشش است، در قرآن کریم به همین معنا به کار رفته است، در سوره لقمان آیه 15 «وَاِن جاهداک» اگر پدر و مادر تلاش کردند تو را مشرک کنند، از آن‌ها اطاعت نکن و همین معنا در این فراز زیارت به کار رفته است " خدا لعنت کند گروهی را که علیه امام حسین(ع) در جنگ با او به هر نحوی تلاش کردند که پسر پیامبر (ص) را شهید کنند چه با تیر چه با سنگ و .......... این معنا با جهادی اصطلاحی که ششمین فرع از فروع دین اسلام است تفاوت دارد، جهاد در این جا به معنی تلاش است و در زبان عربی به تلاش جهاد می گویند.

**جایگاه خاص علی‌اکبر(ع) در زیارت عاشورا**

**\*مگر حضرت علی اکبر(ع) جزو اولاد امام حسین(ع) نیست، پس سلام به صورت کلی بر اولاد حسین(ع) کافی بود، چرا علی اکبر(ع) را سلام اختصاصی دادند؟**

- در بین فرزندان امام حسین(ع) که در کربلا به شهادت رسیدند، هیچ کس مقامش به اندازه علی اکبر(ع) نیست، برای همین امام سجاد(ع) او را در یک قبر ویژه پایین پای پدرش دفن کرد، ولی بقیه ی شهدای کربلا مانند قاسم(ع)، عبدالله(ع)، عون(ع)، عثمان(ع)، جعفر(ع) و ... را که شانزده نفر بودند، را در یک گور دسته جمعی دفن کرد و این خود امتیاز علی اکبر(ع) به سایر شهدای اهل بیت(ع) را می‌رساند، شخصیتی که در خلق و خُلق و سخن شبیه پیامبر(ص)  بوده است و البته چون داغ علی‌اکبر(ع) بر سیدالشهدا بسیار گران بود، خدا در زیارت عاشورا با سلام خاص به علی اکبر(ع) تسلی به سیدالشهدا(ع) نیزمی‌دهد.السلام علی الحسین و علی علی بن الحسین ،که علی اکبر(ع) است.

**مفهوم عبارت «بأبی أنت و اُمّی»**

**\*ویژگی‌های اصحاب امام حسین(ع) چیست که خدا به آن‌ها سلام می‌دهد؟**

-اصلی‌ترین ویژگی یاران امام حسین(ع) شناخت امام زمان است، شناختی که پیامبر اکرم(ص) فرمودند: هر کس آن شناخت را نداشته باشد، به مرگ جاهلیت مرده است و جایگاه اصحاب امام حسین(ع) در روزگاری که نزدیک 30 هزار نفر علیه امام زمانشان شمشیر کشیده‌اند معلوم می‌شود.

در کلام عربی وقتی گفته می‌شود «بابی انت و امی» کنایه از آن است که پدر و مادر من این عمل و رفتار شما را در یاری از حجت خدا می‌پسندند، نه به این معنا که شخص فدای شخص دیگر شود، معنا این است که جانم فدای حرکت و عمل که همان اطاعت از امام معصوم(ع) است.

**سلامی که هر روز وهابی‌ها به پیامبر(ص) می‌دهند اما سلام بر حسین(ع) را شرک می‌دانند!**

**\*از طرف وهابی‌ها مطرح می‌شود امام حسین 1370 سال پیش از دنیا رفته است، چرا الان به زیارتش می‌روید و به او سلام می‌کنید، این کار شما چه فایده‌ای دارد؟**

-اولاً زیارت قبور مؤمنان جزو سیره پیامبر اکرم(ص) است، در صحیح مسلم روایت شده است که پیامبر(ص) به زیارت قبور بقیع می‌رفتند و این گونه می‌فرمودند: «السَّلامُ عَلى‏ اَهْلِ الدّیارِ مِنَ المُسلِمینَ وَالمُؤمِنینَ أَنْتُم لَنا فَرَطٌ وَنَحْنُ اِنْ شاءَ اللّهُ بِکُمْ لاحِقُونَ»، این روایت پیامبر(ص) را هم اکنون در قبرستان بقیع تابلو کردند، یعنی خود وهابی‌ها این کار را کرده‌اند و در آنجا قرار داده‌اند، پس یکی از پاسخ‌هایی که با روش خودشان می‌توان به وهابی‌ها داد، همین است که خطاب به قبور معمولی سلام می‌دهید، حال اینکه به حضرت سیدالشهدا(ع) می‌رسد، به شیعه اشکال می‌کنید که چرا زیارت می‌کند و سلام می‌دهد.

ثانیاً خود وهابی‌ها به زیارت پیامبر اکرم(ص) می‌روند می‌گویند: «السلام علیک یا رسول‌الله اشهد انک ... جاهدت فی سبیل الله» این عبارت بین اذان و اقامه از تلویزیون سعودی همیشه پخش می‌شود و در مکتب شیعه سلام بر هر یک از ائمه همانند سلام بر رسول خداست..

از منظر مکتب شیعه اعتقادمان این است که روح امام معصوم هیچ تفاوتی در زمانی که در حیات است با بعد از مماتش ندارد، بنابراین در زیارت ائمه می‌خوانیم: «اشهد انک تشهد مقامی وتسمع کلامی وترد سلامی وانک حی عند ربک مرزوق»، شهادت می‌دهم که شما جایگاه من را می‌بینید و جواب سلام من را می‌دهید، سخنم را می‌شنوید و سلامم را پاسخ می‌دهید، شهادت می‌دهم که زنده‌اید و در نزد خداوند از روزی بهرمند هستید.

و جمله معجزات و کراماتی که در حرم ائمه به خصوص حرم امام رضا(ع) صادر و ساطع می‌شود، تصدیق مطلب فوق است اینکه مثلا بیمار سرطانی یا نابینایی شفا یافته است، نشان از ارتباط اهل بیت(ع) با دنیا حتی پس از شهادتشان دارد.

به خاطر عظمت سید الشهدا(ع)علماء می فرمایند : 5 دقیقه هر روز صبح را برای سالار شهیدان بگذارید . مطمئن باشید که امام حسین (ع) جواب سلام شما را می دهد چون جواب سلام واجب است و امام محال است ترک واجب کند فقط گوش باید شنوا و لایق شنیدن سلام باشد.وبرای رسیدن به حاجت خود چهل روز پیاپی در ساعت معین زیارت را قرائت نمایید و صد سلام و صد لعن را کامل بگویید.

**یزید اگر هزاران بار زنده شود، باز حادثه عاشورا را رقم می‌زند:**

**\*شبهه دیگری که وهابیت مطرح می‌کند این است که به جای اینکه یزید، معاویه، ابوسفیان را لعن کنید که از دنیا رفتند، بهتر نیست به جای زبان لعن و نفرین که شما برای آن‌ها گشوده‌اید، دست به دعا بردارید تا خداوند از سر تقصیرات آن‌ها بگذرد؟**

- این افراد انسان‌هایی هستند که اهل عناد، حقد، کینه و معاند هستند، اگر یزید دوباره زنده شود، به همان ترتیب واقعه عاشورا را رقم می‌زند، یعنی این طور نیست که بخواهند هدایت شوند، همچنین این شیوه قرآنی است که شخصی را لعن کنیم، در قرآن کریم هم لعن شخص و هم لعن شخصیت داریم، در قرآن کریم خداوند به صراحت ابلیس را لعن می‌کند: «وَإِنَّ عَلَیْکَ اللَّعْنَةَ إِلَی یَوْمِ الدِّینِ»، همچنین ابوالهب، اصحاب سبت «لَعَنَّا أَصْحَابَ السَّبْتِ-»، اصحاب اخدود و ....

**حجاب زنان عاشورائی:**

یکی از دلایلی که قرآن با نام اشخاص را نام می‌برد و لعنت می‌کند این است که ممکن است در گذر تاریخ به فراموشی سپرده شوند، لذا  اگر در زیارت عاشورا یزید، معاویه و ابوسفیان، آل زیاد، آل مروان، آل بنی‌امیه، عمر بن سعد و شمر را لعنت نمی کردند، امکان داشت که سه نسل آینده نداند که چه اتفاقی رخ داده است و چه افرادی مسبب این واقعه هولناک بوده‌اند، مثلاً اینکه چه کسی فرمانده سپاه دشمن را بر عهده داشته است، پس این سیاست خدا در زیارت عاشوراست که از کسانی که بانیان این ظلم بودند، به صراحت و با نام شخصی مانند ابوسفیان، معاویه، یزید بن معاویه و ... نام ببرد، البته در زیارت دیگری امام هادی(ع) تک تک قاتلان را حضرت(ع) نام می‌برد و لعن می‌کند تا از تاریخ پاک نشود و کسی تاریخ را تحریف نکند در متن عربی مقاتل بیشتر این روایات، عباراتی مانند **«جاذَبُوا النِّساءَ مَلاحِفَهُنَّ عَن ظُهورِهِنَّ»، «یَنزِعونَ المَلاحِفَ عَن ظُهورِنا»، «یَنتَزِعونَ مِلحفَهَ المَرأَهِ عَن ظَهرِها» و «تُنازَعُ ثَوبَها عَلى ظَهرِها»** آمده است و این ها – با توجه به معنای ملحفه (۲)- به معنای برهنه شدن و نمایان شدن موها و بدن زنان نیست، بلکه چون زنان آن زمان علاوه بر رواندازهایی شبیه چادر؛ لباس زیرین دیگری نیز داشتند که موی سر و بدن را می‌پوشاند، و سپاه دشمن تنها لباس رویین آن ها را به غارت بردند. و این به معنای بی‌حجابی و نداشتن پوشش نیست.(۳)

◄همچنین در این‌ عبارت «**تُسْلَبُ الْمَرْأَهُ مِقْنَعَتُهَا مِنْ رَأْسِهَا»**که در برخی از مقاتل آمده است، باز نمی‌توان گفت که روسری آنها به طور کل برداشته شد، به ‌گونه‌ای که تمام موها معلوم بود.(۴)

حجت الاسلام جلفایی پژوهشگر مؤسسه دارالحدیث و نویسنده کتاب «حجاب برتر» دراین باره می گوید: «در واقع در روایاتی که می‌توان به آن ها استناد کرد، در ظاهر قضیه و مصداق سیاق قبل و بعد روایات، دقیقاً می‌شود فهمید که منظور از برداشته شدن حجاب همان پوشیه ظاهری یا نقاب بوده است نه آن عبایه‌ای که بر سر آنان بوده است، زنان عرب علاوه بر عبایه‌ای که می‌پوشیدند (شبیه چادر عربی امروزی) در زیر آن لباس ضخیمی می‌پوشیدند؛ یعنی از زیر چادر لباس‌های وسیعی داشتند به گونه‌ای که بافت نساجی آن زمان طوری بود که لباس‌ها دارای بافت ضخیمی بودند؛ یعنی آن گونه نبود که زنان اهل بیت علیهم‌السلام موهای سرشان یا بدن‌شان پیدا شود.»

◄در روز عاشورا چه پوششی از سر زنان برداشته شد؟

بر پایه منابع روایی و مقاتل معتبر و قابل استناد؛ پس از شهادت امام حسین(ع)، سپاه عمر بن سعد به خیمه‌های اهل بیت‏ آن حضرت حمله کردند و به غارت اموال خیمه‌ها و زیور آلات زنان پرداختند.
آنان کار را به جایی رساندند که گاه برای بردن چادر و جامه زنان و کودکان، با آنان به کشمکش می‌پرداختند، تا هر چه آنان داشتند را به یغما برند. سپاه عمر بن سعد، با این کارها حریم اهل بیت علیه السلام را مراعات نکردند، به طوری که زنان از شدت جنایت کاری شمر و گروه نابکارش ‍به عمر بن سعد شکایت کردند و او به ظاهر، دستور داد که از غارت خیمه‌ها دست بردارند.(۱)

عادت اهل بیت بر این بوده که خود را در معرض دید نامحرم قرار نمی‏ دادند و همیشه از پوششی استفاده می‏ کردند که نامحرم حتی صورت آن ها را نبیند و آنچه در کربلا اتفاق افتاد مسلما این بود که صورت بعضی از خانم ها معلوم شد و این و لو حرمت شرعی نداشت اما همین کشیدن روپوش و معلوم شدن صورت، هتک به اهل بیت علیه السلام محسوب می ‏شده است و البته بعید هم نیست بخاطر خبث باطنی لشکر کوفه و شام، روسری یا مقنعه‏ ای از سر زنی کشیده شده باشد و در آن هنگام سر او نمایان شده باشد بر فرض بپذیریم که مقداری یا برای لحظاتی همه موهای آن ها پیدا شده باشد؛ این موضوع با شأن اهل بیت و غیرت خداوند منافاتی ندارد؛ زیرا آن نوع از بی حجابی مذموم است که از روی اختیار باشد، نه اجبار. و گرنه اهل حرم؛ یعنی مجموعه زنانی که همراه امام حسین(ع) در کربلا شرکت داشتند، اصرار زیادی بر حفظ حجاب خویش در برابر نامحرمان می‌ورزیدند و هیچ‌گاه از پوشش و حجاب غافل نمی‌شدند. بهر حال جسارت هایی شده است اما یقینا بدان حدّ نبوده است که برای یک زن عیب محسوب شود.(۵

**آیا خواسته حضرت زینب (ع) در کاخ یزید از زنان برای حلقه زدن دور ایشان دلیل بر نداشتن پوشش بوده است؟**

حجت الاسلام جلفایی در پاسخ به این سوال بیان داشت: «باید توجه داشت که حضرت زینب سلام‌الله علیها، قبل از آن ماجرا، در صحنه‌های مختلف شیر زنانه رو در رو دشمنان ایستاد و با دشمنان اهل بیت سخن گفته است، البته این استفاده (حلقه زدن به دلیل نداشتن پوشش) ضعیف است، هر چند که چند احتمال دیگر می‌توان از آن گرفت: یکی اینکه در آن مجالس چون سر امام حسین علیه‌السلام در آنجا بود، حضرت زینب نمی‌خواستند که شاهد گستاخی‌ها به سر مبارک اباعبدالله الحسین علیه‌السلام باشند؛ یعنی خودشان را عقب می‌کشیدند، یک احتمال دیگری که می‌توان داد؛ چون مجلس جشن، پایکوبی و رقص بود و یزید مجلس جشن مختلطی را برپا کرده بود، اهل بیت علیهم‌السلام می‌ترسیدند که اهانت‌های دیگری به آن ها شود، لذا خودشان را عقب می‌کشیدند، این ها همه‌اش احتمال است.

**در برخی از روایات است که گفته شده که هر چند حجاب از سر زنان حرم می‌کشیدند، باز حجاب داشتند، این درست است؟**

ایشان در این رابطه بیان داشتند: «این روایات‌ دلیل اهمیت حجاب از نظر ائمه علیهم‌السلام، شهدای کربلا و زنان اهل‌بیت امام حسین علیه‌السلام دارد، حضرت زینب علیها‌ السلام و بقیه زنان حرم امام حسین موقعی که پوشش را از سرشان برداشتند، عکس‌العمل و حرف‌هایی را می‌گفتند که از این عبارات فهمیده می‌شود، چقدر مهم بوده است، آن ها سیلی و کتک خوردند، خیمه‌هایشان آتش گرفته است، اما با این حال استغاثه و احتجاج نمی‌کنند، ولی قضیه در برداشتن معجر از روی صورتشان یا تعرض به حجاب توسط سپاهیان دشمن با ناله، گریه و حساسیت خاصی بیان می‌کنند، همه این ماجرا نشان می‌دهد که از نظر زنان حرم امام حسین علیه‌السلام، اندک خارج شدن از حرم حجاب اسلامی، چقدر برای آن ها سنگین بوده است.

**در یک روایتی از حضرت رقیه کوچکترین دختر امام حسین علیه‌السلام نقل شده و در جای دیگر از حضرت سکینه علیها السلام نقل شده است که وقتی چادر(عبایه) یا معجر از سرشان برداشته شده، در این قضیه خیلی گریه و ناله کردند که چرا معجر را از سر ما برداشتند؟!**

نکته مهم اینجاست که یک دختر سه ـ چهار ساله این گونه گریه می‌کند و نشان می‌دهد که حرم امام حسین علیه‌السلام در آن زمان و اهل بیت علیهم‌السلام، حتی دختر خردسال چادر سر می‌کردند و معجر می‌بستند.
رقیه علیها‌ السلام این دختر خردسال تا چه اندازه با معارف آشناست و نسبت به آن حساس است، آن قدر در خون و گوشتش این معارف حجاب وارد شده است که به خاطر برچیده شدن آن پوششی که بر سر داشته، گریه می‌کند.»

[](http://bahejab.com/wp-content/uploads/2015/10/64.jpg)

**این که قبل از حماسه عاشورا، نامحرمان قد و قامت حضرت زینب(س) را ندیده بود، چگونه با خطبه‌خوانی حضرت زینب در کوفه و شام سازگار است؟**

جلفایی در رابطه با ارتباط حجاب حضرت زینب سلام الله علیه و حضور سیاسی و اجتماعی ایشان بیان داشتند: «شخصیت حضرت زینب علیها‌السلام، یک شخصیتی است که تربیت شده حضرت زهرا سلام الله علیها است که این چنین شخصیتی قدرت دارد تا وقتی ضرورت اجتماعی حکم نکرده است، در بین نامحرمان ظاهر نشود. منتها در بین زنان فعالیت تبلیغی داشتند، وقتی که ضرورت و فایده عقلایی پیش می‌آید، شیر زنانه در جامعه حضور می‌یابد.
حال اگر یک فرد عادی و کسی که خیلی در پیش نامحرمان ظاهر نشده است، بخواهد در جامعه حضور داشته باشد، باید یک شخص خجالتی باشد و کسی باشد که خودش را گم کند و مهارت بیان مطلب خودش را نداشته باشد، اما در مورد شخصیتی مانند حضرت فاطمه زهرا علیها‌السلام که وصل به عالم غیب و تربیت شده عالم غیب هستند، این قدرت را دارند و شرایط طبیعی ناشی از افراط و تفریط در روحیه آنان هیچ تأثیری ندارد.

آنجایی که ضرورت پیش می‌آید، به بهترین روش سخن خود را بیان می‌کند و بهترین فصاحت و بلاغت را بر زبان جاری می‌کند، زینب کبری علیها‌ السلام همین گونه است، یعنی یک شخصیت، بیرون از تربیت آسمانی نیست که چون خیلی در خانه مانده و در اجتماع ظاهر نشده است مانند زنان آن زمان در مجالس سیاسی حضور نداشته، الان مقید شود و نتواند از قیام برادرش دفاع کند، زینب کبری (س) در دربار عبیدالله‌بن زیاد و یزید مطابق نهایت کمال یک زن مسلمان عمل ‌کرده است و آن شرایط اقتضا می‌کند که برابر ظلم و جور بایستد.

باید توجه داشت که در مورد عدم حضور حضرت فاطمه زهرا (س) و حضرت زینب (س) در جامعه از لحاظ کمیت نمی‌توان آن را به زمان کنونی تعمیم داد، چرا که در هر جامعه‌ای بایسته‌های حضور زن در جامعه‌اش، متناسب با وضعیت جسمانی و مکانی متفاوت است، باید توجه داشت که در زمان صدر اسلام، ضرورت برای زنان اهل بیت علیهم‌السلام و حرم امام حسین علیه‌السلام این گونه اقتضا می‌کرد که بیایند و رسوا کنند، یا حضرت زهرا علیهاالسلام زمانی که همسرش حضرت علی (ع) در یک شرایط خفقان سیاسی، اقتصادی و اجتماعی قرار دارد و نمی‌تواند صحبت کند، شیر زنانه جلو می‌آید و حرفش را می‌زند، لذا بایسته‌های حضور یک زن مسلمان در صدر اسلام در همین خلاصه می‌شد.

ولی اکنون در جامعه فعلی ما، بایسته‌هایی حضور یک زن مسلمان در جامعه متفاوت است، مطالب جدیدی آمده است که شرع هم آن را قبول دارد، به طور مثال اینکه زن می‌تواند کسب تحصیل کند، بایسته است، در حالی که قبلاً تحصیل برای زنان چندان معنا نداشت، چرا که زمانه اقتضا نمی‌کرد و معلم وجود نداشت، الان یک سری فعالیت‌ها برای زنان ایجاد شده است که شایسته است فقط زنان انجام دهند و اولویت با زنان است، مثل شغل‌هایی که با زنان متناسب است نظیر معلمی، تغذیه، بهداشت و پزشکی و … درصد بایسته‌ای ضرورت برای آن حکم می‌کند، این شبهه جایی ندارد، بایسته‌های حضور زن مسلمان در زمان صدر اسلام با زمان فعلی فرق می‌کند.

منبع:

۱\_طبری، محمد بن جریر، تاریخ الامم و الملوک(تاریخ طبری)، ج ‏۵، ص ۴۵۳، بیروت، دار التراث، چاپ دوم، ۱۳۸۷ق؛ ابن اثیر، علی بن محمد، الکامل فی التاریخ، ج ‏۴، ص ۷۹، بیروت، دار صادر، ۱۳۸۵ق.

.بلاذری، احمد بن یحیی، انساب الاشراف، ج ‏۳، ص ۲۰۴، بیروت، دار الفکر، چاپ اول، ۱۴۱۷ق.

.ابن کثیر دمشقی‏، اسماعیل بن عمر، البدایه و النهایه، ج ‏۸، ص ۱۸۸، بیروت، دار الفکر، ۱۴۰۷ق.

.ذهبی، محمد بن أحمد، سیر أعلام النبلاء، ج ۳، ص ۳۰۳، بیروت، مؤسسه الرساله، چاپ سوم، ۱۴۰۵ق.

.شیخ صدوق، محمد بن على‏، الامالی، ص ۱۶۴ – ۱۶۵، تهران، کتابچی، چاپ ششم، ۱۳۷۶ش.

.سید بن طاوس، اللهوف فی قتلی الطفوف، ص ۱۳۱ – ۱۳۲، تهران، نشر جهان، چاپ اول، ۱۳۴۸ش.

۲\_در کتاب‌های لغت عربی و فارسی ملحفه به این معانی آمده است: چادر، روانداز، ملافه، روپوش لباس. ر.ک: لغت‌نامه دهخدا، واژه «ملحفه»؛ بستانی، فؤاد افرام، مهیار، رضا، فرهنگ ابجدی عربی-فارسی، ص ۸۵۹، تهران، انتشارات اسلامی، چاپ دوم، ۱۳۷۵ش؛ ازهری، محمد بن احمد، تهذیب اللغه، ج ‏۵، ص ۴۶، بیروت، دار احیاء التراث العربی‏، چاپ اول، ۱۴۲۱ق. «اللِّحَاف و المِلْحَفُ و المِلْحَفَه: اللِّباس الذی فوق سائر اللباس‏»؛ ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، ج ۹، ص ۳۱۴، دار صادر، بیروت، چاپ سوم، ۱۴۱۴ق

۳و۴\_ابن نما حلی، جعفر بن محمد، مثیر الأحزان، ص ۷۶، مدرسه امام مهدی(عج)، قم، چاپ سوم، ۱۴۰۶ق

۵\_ حوزه نت

**پیامی از رجب علی خیاط(ره):**

**رجب علی خیاط : تا زنده هستید خواندن زیارت عاشورا را ترک نکنید.**

**سید رشتی هنگام تشرف به خدمت ولی عصر گفتند: امام به سه چیز تأکید نمودند ؛ نماز شب- زیارت عاشورا ( زیارت را بخوانید و از آن مراقبت کنید)– زیارت جامعه کبیره**

**شش فایده گریه و عزاداری برای امام حسین(ع):**

1. آمرزش گناهان با گریه برای مظلومیت امام 2- ثواب فراوان 3- دستیابی به حسن عاقبت 4- سرمشق گرفتن از درسهای اخلاقی و عبرت از عاشورا 5- ابقای اسلام و احیای تشیّع 6- استجابت دعا

در روایات از معصومین (ع) برای عزاداری و زیارت امام حسین(ع) ثواب حج و عمره بیان شده است. و بیان شده است که ثواب زیارت امام حسین (ع) از راه دور یا نزدیک مانند این است که خدای سبحان را در عرش زیارت کند.

**بزرگان اسلام و سخنان درس آموز ایشان:**

علامۀ مجلسي «رضوان‌الله‌تعالي‌عليه»‌ نقل مي‌کنند که در جلسه‌اي در حضور علما، بحث از ثواب عزاداري امام حسین«ع » شد و از جملۀ روایات، این روایت بود که ثواب عزاداري براي امام حسين«ع »، از شهادت و از حج و عمره نیز بالاتر است. يکی از افراد ساده لوح در مجلس، منکر این قضیه شد و آن را رد کرد. شب هنگام، آن شخص در خواب ديد که قيامت شده است و او فوق‌العاده تشنه است. وقتی چشمش به حوض کوثر افتاد، بر لب حوض کوثر رفت و ديد که پیامبر و امیرالمؤمنین و حضرت زهرا«س »، به صورت سياه پوش، مواظب حوض کوثر هستند. او به نزد آنان رفت و از حضرت زهرا«سلام‌الله‌عليها» درخواست آب کرد، امّا وجود اقدس حضرت زهرا«سلام‌الله‌عليها» فرمودند: تو کسي هستي که منکر عزاداري پسرم شدي و آب به تو نمي‌دهم. علامه مجلسي مي‌فرمايد: این شخص وقتی از خواب بيدار شد، متوجّه اشتباه خود شد و لذا در جلسۀ بعد، خواب خود را نقل کرد بنابراین همانگونه که حضرت امام خميني«قدّس‌سرّه» در جملۀ شيريني مي‌فرمودند: اگر از نظر عرفان چيزهايي عرفاي بزرگ اسلام نقل کردند، اگر تو اهل آن نيستي، لاأقل منکر نشو، اگر کسي درک بعضي از مطالب موثق و مستند که از سوي بزرگان دين نقل مي‌شود را نداشت، لااقل نبايد منکر آن مطالب شود.

غم مصیبت سیدالشهدا(ع) را بايد در نگاه عالمان وارسته خواند و شيوه ماتم را بايد از سيره آنان آموخت. اين سطرها راوي ارادت اين بزرگان به اباعبدالله الحسین(ع) است برای مثال امام صادق (ع) به فضيل‌بن يسار فرمودند: آيا مجلس عزا به پا مي‌كنيد و براي يكديگر حديث مي‌گوييد؟ عرض كرد: بلي، فدايت شوم. امام فرمودند: اين‌گونه مجالس را دوست دارم. پس امر ما را زنده بداريد كه هر كس امر ما را زنده كند مورد رحمت خدا خواهد بود. و یا آيت‌الله قاضي در این زمینه می گفت: در مستحبات عزاداري و زيارت سیدالشهدا مسامحه ننماييد و روضه هفتگي و لو دو سه‌نفره باشد، اسباب گشايش امور است... و اگر هفتگي ممكن نشد، دهه اول محرم ترك نشود.

وی ادامه داد: آيت‌الله شيخ عبدالله مامقاني می گفت: تا جايي كه لقمه ناني از گلويتان پايين مي‌رود، روضه‌خواني در منزل را ترك نكنيد! و مرحوم آیت‌الله‌العظمی محمدعلي اراكي درباره آيت‌الله آقا نورالدين اراكي(عراقي) می گفت: «من به چشم خود ديدم، در دهه عاشورا، در مجلس روضه‌خواني كه در منزل معظم‌له از اول طلوع آفتاب شروع مي‌شد و تا ظهر ادامه داشت و منبري‌ها بلاحساب مي‌آمدند و مردم زيادي از غريبه و آشنا، از اهل اراك و جاهاي ديگر جمع مي‌شدند، ايشان از اول روضه چندين دستمال جلوي خودش مي‌گذاشت و دستمال‌ها را از گريه خيس مي‌كرد، از اول روضه گريه مي‌كرد تا آخر، من نمي‌دانم چه گريه‌اي بود كه تمامي نداشت. روز عاشورا كه مي‌شد، معركه بود، بكاء بود به تمام معنا.»مانند پسر از دست داده.

**\*در ایام محرم دست از برخی از لذایذ بردارید**

معاون تهذیب حوزه علمیه افزود: آيت‌الله ميرزا جواد ملكي تبريزي می گفت: «سزاوار است حال دوستان آل‌محمد در دهه اول محرم تغيير نموده و در دل و سيماي خود آثار اندوه و درد اين مصيبت‌هاي بزرگ را آشكار نمايند. بايد مقداري از لذايذ زندگي را كه از خوردن و نوشيدن و حتي خوابيدن به دست مي‌آيد ترك نموده و مانند كسي باشند كه پدر يا فرزند خود را از دست داده است. نبايد احترام ناموس بزرگ خدا و احترام پيامبر(ص) و امام(ع)، كمتر از احترام خود و نزديكانش باشد. اگر كسي نتواند در تمام دهه محرم اين كار را انجام دهد حداقل در روز تاسوعا و عاشورا و شب يازدهم دست از برخي لذايذ بردارد. [مثلاً نان خالي بخورد يا آب كمتر بنوشد و خود را به یاد آن روزهاي سخت اهل‌بيت، به‌سختی اندازد.]» و مرحوم آیت‌الله‌العظمی مرعشي نجفي ماه‌هاي محرم و صفر هر سال را لباس سياه مي‌پوشيدند و در وصيت‌نامه خود نوشته‌اند: لباس سياهي كه در ماه‌هاي محرم و صفر مي‌پوشيدم جهت حزن و اندوه در مصيبت‌هاي آل رسول اكرم(ص) با من دفن شود [تا وسيله شفاعت ايشان در روز قيامت باشد] سفارش مي‌كنم دستمالي را كه اشك‌هاي زيادي در رثاي جدم حسين مظلوم و اهل‌بيت مكرم او (عليهم‌السلام) ريخته و صورت خود را با آن پاك مي‌كردم بر روي سينه‌ام در كفنم بگذارند.

وی گفت : آيت‌الله مجتهدي تهراني معتقد بود علت موفقيت من، همين مجالس توسل و روضه‌خواني و سينه‌زني در كنار درس‌هاي طلبگي است. از زماني كه طلبه بودم، پنج‌شنبه‌ها در منزلمان روضه برقرار مي‌كردم. وقتي هم كه به قم رفتيم، مجلس روضه‌مان در قم برپا بود. وقتي هم نزد استادمان حاج شيخ علي‌اكبر برهان در مسجد لرزاده تهران بوديم، ايشان هفته‌اي یک شب، سينه‌زني مي‌كردند و مي‌فرمودند: من هر چه دارم از همان روضه‌ها و سينه‌زني‌هايي است كه براي اهل‌بيت گرفته‌ام.(مرحوم مجتهدي در مجالس روضه‌خواني چاي بازمانده در استكان را كه ديگري خورده بود، به‌عنوان تبرك مي‌خورد.) و آيت‌الله بهجت می گفت: بكاء بر مصائب اهل‌بيت(عليهم‌السلام) و به‌خصوص حضرت سیدالشهدا(ع) شايد از آن قبيل مستحباتي باشد كه افضل از آن نيست. بنده خيال مي‌كنم، فضيلت بكاء بر سیدالشهدا(ع) بالاتر از نماز شب است.

آيت‌الله قاضي در مجلس روضه بسيار مؤدب و با احترام مي‌نشست و در پايان مراسم، كفش حاضران را رديف كرده، آماده پوشيدن مي‌نمود و چه‌بسا آن‌ها را گردگيري مي‌كرد و مي‌فرمودند: من كفش حاضران در مجلس روضه اباعبدالله را تميز مي‌كنم تا ملائك حاضر در اين مجلس گواهي دهند به آن‌چه در باطن من مي‌گذرد كه جز خداي متعال، كسي از آن اطلاع ندارد. و آيت‌الله بهجت درباره روضه هفتگي استادشان مي‌گفتند: مرحوم غروي در اين روضه، مقيد بود كه خود پاي سماور بنشيند و خود او همه كفش‌ها را جفت كند.

و در خصوص حالت آيت‌الله سید عبدالکریم كشميري در روز عاشورا گفت: ایشان در روز عاشورا بسیار مضطرب و بي‌قرار بود؛ با حالت خاص از خانه با پاي برهنه و گِل بر سر ماليده بيرون مي‌آمد، اگر كسي روضه مي‌خواند اشك مي‌ريخت و منقلب بود و آرام و قرار نداشت. مي‌رفت كنار حرم حضرت معصومه(س) كنار دسته‌هاي عزاداري و تا آخر شب همان‌جا كنار حرم به گنبد نگاه مي‌كرد و در حال خود بود و اشك مي‌ريخت.

**لزوم سرمشق گرفتن از درس‌های اخلاقی عاشورا**

حجت الاسلام دهقانی نژاد بر لزوم سرمشق گرفتن از درس‌های اخلاقی عاشورا تاکید کرد و گفت: در مجالس عزاداری بايد توجّه شود که امام حسین«علیه السلام » در روز عاشورا، در آن بحبوحه جنگ، نماز خواندند، پس شیعه ايشان هم باید به نماز اهمیت بدهد. در عزاداری‌ها مي‌فهميم که امام حسین«علیه السلام >به خاطر دین، همه هستي خود، حتی بچه شیرخوار را در راه خدا فدا کردند، پس ما نيز بايد درباره دين، از هيچ کوششي دريغ نکنيم و در رابطه با ديگران، ایثار و گذشت و فداکاری داشته باشیم. امام حسین«عليهم السلام» برای احياي تشیّع، تلاش کردند، ما نيز بايد با عمل و رفتار خود، تشیّع را سربلند کنیم. وقتي اينگونه رفتار کرديم، مسلّماً ثواب اين عزاداري بالاترينِ ثواب‌هاست.

**\*از بدعت و نوآوری کاذب در عزاداری ها جلوگیری شود**

وی در بخش پایانی صحبت های خود با بیان اینکه متاسفانه برخی بجای نوع عزاداری به فکر نوع پذیرایی هستند! اذعان داشت: در زمان گذشته، جلسات روضه و عزاداری رونق بیشتر و بهتری داشت. ولی متأسّفانه امروز برخی از افراد، بیشتر به فکر نوع پذیرایی در آن مجلس هستند تا نوع عزاداری! لذا بسیار شایسته است که توجّه بیشتری به عزاداری‌ها شود و ضمن دوری از بدعت‌ها و نوآوری‌های کاذب در این جلسات، خود را سوگوار حقیقی امام حسین«‌عليهم السلام» قرار دهید.

وی با تاکید بر لزوم برگزاری عزاداري به شيوه سنّتي گفت: در طول تاريخ، زحمات فراواني کشيده شده تا تشيّع به دست ما برسد و ما بايد مواظب باشيم با رفتار خود، به تشيّع ضربه نزنيم و مطلبی که نیاز به توجه جدی، به خصوص از سوی روحانيّت و جوانان دارد، این است که باید در عزاداری سوژه و بهانه به دست معاندان تشیّع ندهند. عزاداري باید به روش سنّتي که ائمه طاهرین«عليهم السلام» داشتند و در زمان ما مراجع و علما و بزرگان دارند، برگزار شود و برگزارکنندگان جلسات باید از افراط و تفريط بپرهيزند و برای رسانه‌های بیگانه سوژه تهیه نکنند زیرا اصل عزاداری با سخنرانی، ذکر مصیبت، گریه کردن، سینه زدن و آنچه عرف مردم به آن عزاداري مي‌گويند، حتماً بايد باشد، امّا افراط و تندی که هميشه بد بوده و در زمان ما بدتر است، نبايد باشد.

 **تقدیم به روح مطّهر امام حسین (ع**) تحقیق شده در "ماه صفر 95" توسط خادمه اهل بیت

**(فاطمه پورشفیع)**

.